



کتاب
اندیشه

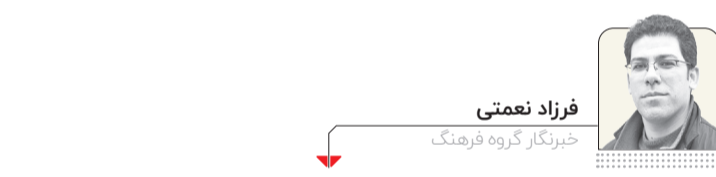
اولویت دموکراسی بر سوسیالیسم

از نظر آکسل هونت آینده سوسیالیسم فقط در شکلی پسامارکسیستی می تواند محقق شود

نظری تازه ای قرار دهیم، خواهیم داد که سوسیالیسم همچنان برانگیزنده و زنده است.»
از نظر هونت، «افت ناگهانی انرژی آرمانشهری» که سوسیالیسم معمولاً خود را پیشقراول آن می دانست به دلایل مختلفی نسبت داده شده است. برخی گفته اند، فروپاشی نظام های کمونیستی در سال ۱۹۸۹ دلیل آن است. برخی دیگر ورود ما به عصر موسوم به «پسامدرنیته» را در این مورد مهم می شمارند. از نظر طرفداران این ایده، فرهنگ پسامدرن «برداشت های مشخص مدرن از پیشرفت فرجام گرایانه را بی اعتبار کرد و راه را برای آگاهی جمعی از بازگشت مکرر یک پدیده واحد هموار ساخت.» طبق این وضعیت نوین، گویی آینده قرار نیست طلیعه جهانی جدید باشد، بلکه چیزی نخواهد بود مگر تکرار اشکال زندگی و مدل های اجتماعی پیشین. هونت اما در کنار این دو دلیل ناکافی، از دلایل سوم می نیز در این میان سخن می گوید که به نظر او از دو دلیل قبلی، موثرتر می نماید. بهرغم هونت تفسیر مشهور مارکس در جلد نخست «سرمایه» از «بتواریگی» که از شیء عواره شدن مناسبات اجتماعی شکایت می کرد، بیش از هر زمان دیگری، تازه امروز و در فراشد جهانی شدن، معنای تاریخی کاملش را به خود می گیرد زیرا اینک در نتیجه همونی یافتن برداشت بتواره از مناسبات اجتماعی، نوعی حس تسلیم و وادادگی در میان مردم درباره امکان تغییر مناسبات به وجود آمده است. با این توضیحات پرسش مهم هونت در این کتاب این است: «چرا آلمان های کلاسیک و تاثیرگذار گذشته قدرت شان را در افشا و ویران کردن پدیده شیء تواریگی از دست داده اند؟ یا به بیانی دیگر: «چرا رویاهای سوسیالیسم دیگر قدرت آن را ندارند که به خشم آنگاران قانع کنند که با کوشش جمعی می توان آنچه را محتوم می کند، اصلاح کرد.»

بر این اساس بهرغم هونت، نظریه هابر ماس از کمبود نگرشی اجتماعی بر مبنای تعارض رنج می برد و واقعیت «تفاهم در تعارض» را دست کم می گیرد. با چنین نقدهایی به آبی مکتب فرانکفورت، از نظر هونت لحظه پراتیک آنجا ظهور پیدا می کند که سوژه های اجتماعی به دلیل سرکوب و نفی انتظارات شان در بهرسمیت شناختن خویش توسط دیگران در محیط زندگی، کار و جامعه، احساس بی عدالتی می کنند. در چنین وضعیتی، افراد برای نیل به شرایط برابر با دیگران و بهرسمیت شناخته شدن، دست به مبارزه می زنند. هونت جنبش های اجتماعی در عصر حاضر را نیز در همین زمینه کلی مورد توجه قرار می دهد اما می کوشد از سوژه های ذات یاروانه و ماهیت گرایانه ای که طی آنها منافع مسلم و غیر قابل تردید گروه ها یا افراد یا وجود هسته های سخت هویتی در افراد و جماعات پیشفرض گرفته می شوند، پرهیز کند. از نظر هونت: «هویت سوژه ها و گروه های اجتماعی فقط در فرآیند ارجحیت های اجتماعی شکل می گیرد. مسئله بر سر این است که ما بتوانیم بگویم فردی «به رسمیت شناخته نمی شود» یا به صورت «نادرست» و «فریبنده ای» مورد ارج قرار می گیرد، بدون آن که به مفهومی ماهیت یاروانه توسل جویم.» با همین مقدمه و نقل کوتاه مشخص می شود که نزد هونت آن دست نگرش های مارکسیسم ارتدوکس که برای نمونه به طبقه پرولتاریا یا نگاهی غیرتاریخی داشت و گمان می کرد صرف تعلق طبقاتی به یک گروه، به طور کامل می تواند ذهنیت ها و کنش های فرد را مشخص کند، مردود و بی اعتبار به شمار می آیند. همچنین او در برابر تاکید عمده جنبش های سوسیالیستی بر مسئله «بازتوزیع»، آشکارا شکل اصیل سیاست ورزی رادیکال را در «بازشناسی» بازمی جوید.

▼ **سوسیالیسم به پایان رسیده است؟**
هونت در آغاز کتاب «ایده سوسیالیسم» از این واقعیت پرده برمی دارد که دیگر سوسیالیسم چون گذشته جنبشی نیرومند به مثابه مهمترین چالش فکری سرمایه داری نیست: «فرض بر آن است که روزگارش سپری شده و حتی تصورش را هم نمی توان کرد که بتواند دیگر بار توده ها را به حرکت درآورد یا بدیلی قابل قبول برای سرمایه داری معاصر باشد.» او حتی فراتر از اذعان به زوال سوسیالیسم، از قدرت گیری مذهب نیز سخن به میان می آورد: «او رقیب بزرگ سده نوزدهم تقریباً ناگهان نقش های شان را عوض کرده اند: مذهب نیروی اخلاقی آینده انگاشته می شود و سوسیالیسم پدیده ای متعلق به گذشته، امری که حتی در تصور ماکس وبر هم نمی گنجد.» با وجود چنین آغاز مایوس کننده ای، هونت اما بر این گمان است: «اگر فقط بتوانیم ایده مرکزی سوسیالیسم را از پستر فکری صنعت گرایی اولیه جدا کنیم و در چارچوب اجتماعی



فرزاد نعمتی
خبرنگار گروه فرهنگ

به تازگی «نشر نی» کتابی به نام «ایده سوسیالیسم: به سوی شکل دموکراتیک زندگی» را منتشر کرده است. آکسل هونت، نویسنده این کتاب، متولد سال ۱۹۴۹ در شهر اسن آلمان است. او از سال ۱۹۹۶ در دانشگاه گوته فرانکفورت، به تدریس فلسفه مشغول بود و در سال ۲۰۰۱ جانشین یورگن هابر ماس در ریاست «مؤسسه تحقیقات اجتماعی» (مشهور به مکتب فرانکفورت) شد. از هونت آثار متعددی منتشر شده است که عناوین برخی از آنها چنین است: «نقد قدرت» (۱۹۸۶)، «نبرد برای به رسمیت شناخته شدن» (۱۹۹۲)، «شئی کردن: رساله ای در حوزه تئوری ارجحیت» (۱۹۹۲)، «سرمایه داری و خودتحقق بخشی: ناسازه های فردگرایی» (۲۰۰۲)، «ناسازه های سرمایه داری» (۲۰۰۴) و «حق آزادی: بنیادهای اجتماعی زندگی دموکراتیک» (۲۰۱۴). کتاب «ایده سوسیالیسم» نیز در سال ۲۰۱۶ چاپ شده است. یکی از مهمترین دستاوردهای فکری هونت را می توان طرح نظریه «ارجحیت» (Recognition) دانست که در ادامه بحث های هگل درباره Anerkennung قابلیت طرح پیدا می کنند. در طرح هگل، مبارزه برای بقا که در اندیشه سیاسی (از ماکیاوولی و هابز تا کنون) محوریت دارد، جای خود را به مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن می دهد و سوژه های اجتماعی در درکی هویت محور از خود تلاش می کنند فردیت شان را در بازشناسی متقابل با سایر سوژه ها تنظیم کنند. هونت این بازشناسی متقابل را در سه حوزه هنجاری مورد توجه قرار می دهد. نخست حوزه عشق و علاقه (روابط دوستانه، خانواده و...)، دوم حوزه حقوق (برابری حقوقی) و سوم حوزه همبستگی (حوزه اجتماعی، کار و اشتغال).

▼ **بازشناسی یا باز توزیع؟**
نظریه هونت در عین وجود برخی شباهت ها، گسست هایی نیز از نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت - که نزد هورگرهایمر و نزد هابر ماس دارد. هونت معتقد است، هورگرهایمر از درک ابعاد کامل «امر اجتماعی» غافل بود زیرا با همه ملاحظات انتقادی که داشت، باز زیر سیطره تقلیل گرایی اقتصاد محور رایج در زمانه قرار می گرفت. هابر ماس این تقیصه را تا حدودی رفع کرد و با فراروی از پارادایم تولید، درکی جامع تر از جامعه را پیش نهاد، اما او نیز در نهایت در پارادایم عقلانیت ارتباطی خود، دچار توهم امکان و وقوع تفاهم در سرمایه داری پیشرفته شد.

▼ **سوسیالیسم و انقلاب فرانسه**
هونت معتقد است، ایده سوسیالیسم محصول فکری صنعتی شدن سرمایه داری است و تولد آن را باید با توجه به انقلاب فرانسه و شعار سه گانه آن: «آزادی، برابری و برادری» مورد توجه قرار داد. از این زاویه دید، وقتی مشخص شد که در نظام سرمایه داری تحقق همزمان این شعارهای سه گانه ممکن نیست و بخش هایی قابل توجه از مردم نمی توانستند از آزادی، برابری و برادری بهره مند شوند، یا آزادی برخی از افراد در قالب نظم اقتصادی سرمایه داری، می تواند همبستگی اجتماعی (برادری) و عدالت (برابری) را محدود یا مخدوش کند، این ایده شکل گرفت که باید فعالیت های اقتصادی تابع اقتدار جامعه و دولت به نمایندگی از جامعه بشوند. این برداشتی است که امیل دورکیم در جمع بندی جریان های مختلف سوسیالیستی از آنها داشت: «آنها راه پایان بخشیدن به فقر توده های کارگران، تجدید سازمان حوزه اقتصاد و در نتیجه کنترل و نظارت اراده بزرگتر جامعه بر فعالیت های اقتصادی است.» به همین دلیل است که دورکیم می نویسد: «هر آموزه ای را که خواهان پیوند همه فعالیت های اقتصادی با برخی از آنها - که در حال حاضر پراکنده اند - با مراکز آگاه و راهبر جامعه باشد، آموزه ای سوسیالیستی می خوانیم.»



«طناب» هیچکاک در دست فیچر

دیوید فیچر، کارگردان شهیر آمریکایی که آثاری نظیر «هفت» و «زودیاک» را در کارنامه دارد و پیش تر برای بازسازی یکی از شاهکارهای آلفرد هیچکاک انتخاب شده بود، برای بازسازی فیلم دیگری از این فیلمساز افسانه ای، «طناب» (۱۹۴۸)، انتخاب شد. فارس ضمن اعلام این خبر نوشت، خیر ساخت این بازسازی در نتفلیکس در حالی منتشر شده است که پیش از این گفته شده بود فیچر قرارداد همکاری خود با این کمپانی را تا سال ۲۰۲۷ میلادی تمدید کرده و چهار پروژه را در دست ساخت دارد. قرار است در این بازسازی که فیلمنامه آن توسط استیون نایت، نویسنده سریال محبوب «پیکو بلایندرز» نوشته شده، بازیگران صاحب نامی چون دنزل واشنگتن و چارلیز ترن به ایفای نقش بپردازند. «طناب» راوی داستان قاتلانی خونسرد با بازی جان دال در نقش «براندون» و فارلی گرانجر در نقش «فلیپ» است که دوست شان «دیوید» با بازی دیک هوگان را با طنابی خفه و او را داخل صندوقی در آپارتمان شان پنهان می کنند.



صدر نشین های سینما در ۶ ماه اول سال

سینمای ایران در آخرین روز تابستان در حالی به فروش هزار میلیارد تومانی نزدیک شد که از میان شش فیلم پرفروش سال، فقط یکی از آن ها غیر کمدی است. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، از ابتدای سال تا کنون ۳۶ فیلم به جز آثار بخش هنر و تجربه روی پرده سینماها رفته اند و پس از شش ماه به فروش ۹۲۷ میلیارد تومانی رسیده اند. در این مدت بیش از ۱۶ میلیون نفر هم به تماشا فیلم های اکران شده نشستند. براساس آمار سامانه مدیریت فروش و اکران سینما (سمفا) تا باامداد ۳۱ شهریور ماه فیلم های «تکرار ۳»، «تساح خونی» و «مست عشق»، سه فیلم پرفروش نیمه اول سال بوده اند و بعد از آن ها فیلم های «حجالت نکش ۲»، «پول و پارتی» و «سال گریه» در رتبه های بعدی قرار دارند. آمار فروش فیلم های اکران شده در شش ماه نخست سال به جز نقش پرنزنگ فیلم های کمدی در فروش حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومانی گیشه، نشان دهنده شکست و استقبال کم مردم از فیلم هایی هم هست که در ساخت آن ها چهره هایی نامدار به عنوان بازیگر یا کارگردان نقش داشتند.



کشف قطعه ای جدید از موتسارت

یک قطعه موسیقی ناشناخته از ولفگانگ آمادئوس موتسارت که احتمالاً در دوران نوجوانی او ساخته شده، در کتابخانه ای در آلمان کشف شد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، این قطعه که ساخت آن به واسطه تا اواخر دهه ۱۷۶۰ میلادی بازمی گردد، شامل هفت موومان کوچک برای یک تریو (سوزنازی) زهی است که حدود ۱۲ دقیقه به طول می انجامد و اخیراً در کتابخانه لایپزیگ کشف شده است. محققان این اثر را در کتابخانه موسیقی شهر لایپزیگ هنگام تهیه نسخه جدیدی از کاتالوگ کیشل، که بایگانی نهایی آثار موسیقایی موتسارت است، کشف کردند. ولفگانگ آمادئوس موتسارت (۱۷۹۱-۱۷۵۶) آهنگساز اتریشی دوره کلاسیک بود و یکی از بزرگترین و تاثیرگذارترین آهنگسازان تاریخ موسیقی غرب به شمار می رود. موتسارت از کودکی یک نابغه موسیقی بود و از سنین بسیار کم، با تشویق و راهنمایی پدرش لئوپولد موتسارت، به آهنگسازی و نوازندگی پرداخت. موتسارت در طول زندگی کوتاهش بیش از ۶۰۰ اثر بر جسته در ژانرهای مختلف موسیقی از جمله سمفونی ها، کنسرتوها، اپراها و موسیقی مجلسی خلق کرد.